

## بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

حسین پوراحمدی<sup>۱</sup>

سلیمان حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف مقاله بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع می باشد. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. **یافته‌ها:** برخلاف عقیده رایج شیعیان که معتقدند منشأ تشیع در عصر نبوی(ص) بوده است، شرق‌شناسان براساس مبانی فکری و انگاره‌های ذهنی خویش، مذهب تشیع را یک پدیدهٔ تاریخی و پیدایش آن را بعد از عصر نبوی(ص) می‌دانند. دسته‌ای از آنان تشیع را عمدتاً ساختهٔ ایرانیان و واکنش روح ایرانی در برابر تسلط عرب مسلمان می‌دانند و دسته‌ای دیگر ضمن اعتراف به منشأ عربی تشیع، قائل به نفوذ فرهنگ ایرانی در این مذهب هستند و از آن به عنوان «اسلام ایرانی» نام می‌برند. در این مقاله ضمن اثبات این نکته که پیدایش تشیع در عصر نبوی بوده است، با تکیه بر تحلیل همراه با توصیف به نقد آثار شرق‌شناسان پرداخته شده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق حاکی از آن است که پیدایش تشیع در عصر پیامبر(ص) بوده است و مستشرقینی که معتقدند ریشهٔ تشیع به تحولات پس از رحلت پیامبر(ص) باز می‌گردد، عمدتاً از حقیقت تشیع آگاهی ندارند و بعضی از آنان بر اساس منابع غیر شیعی به چنین نتایجی رسیده‌اند.

**واژگان کلیدی:** تشیع، اسلام ایرانی، شرق‌شناسان.

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۰۲/۱۳؛ تصویب نهایی: ۹۲/۱۰/۲۰.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز / [Email: hpourahmadi@rose.shirazu.ac.ir](mailto:hpourahmadi@rose.shirazu.ac.ir)

۲. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز / [Email: soleymanheidari@shirazu.ac.ir](mailto:soleymanheidari@shirazu.ac.ir)

## الف) مقدمه

پدیدهٔ شرق‌شناسی و اعزام افراد با انگیزه‌های مختلف از سوی کشورهای غربی به منظور شناسایی مشرق‌زمین دارای ابعاد گوناگون است (طیبی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). برخلاف معنای ظاهری «شرق‌شناسی» که فرآیندی جز یک سنت دیرینه در تاریخ بشری نیست (زمانی، ۱۳۸۸: ۵۴)، و دین مبین اسلام و آیات قرآن شناخت هستی و سیر و سیاحت را، راهی روشن و استدلال محکم در معرفت‌شناسی یاد می‌کند (انعام/۱۱)، معنای اصطلاحی و کاربردی واژه «شرق‌شناسی» معنایی غیر از مفاهیم قرآنی دارد و گفتمانی است که غرب تلاش نموده چنین وانمود کند که انسان شرقی اگرچه بی‌نهایت در تکاپو بوده است؛ ولی نمی‌تواند اعتبار و ارزش خود را به پایهٔ یک انسان غربی برساند (سعید، ۱۳۷۱، ۴۳).

تأمل در واژگان «شرق‌شناسی» و «مستشرقین» گویای این واقعیت است که شناسایی شرق که سابقه‌ای دیرینه در تاریخ بشری دارد، از همان آغاز در راستای تقویت اندیشهٔ برتری‌جویانهٔ غرب بوده است. در این فرآیند، شناسایی و مقابله با فرهنگ اسلامی که مهد آن در مشرق‌زمین بود، به دلایل مختلف اهمیت و اعتبار بیشتری دارد. زمینه‌های تاریخی ناکامی غربی‌ها در جنگ‌های صلیبی و راهی برای جبران آن ناکامی - ها از سویی و خوان نعمت گسترده در سرزمین‌های اسلامی و ذخایر انسانی، فرهنگی و اقتصادی این نواحی از سوی دیگر، ایجاب می‌کرد تا با شناسایی فرهنگ اسلامی به منظور کشف راه‌های مقابله با آن به شدت از سوی آنان پیگیری شود و امر مقابله با فرهنگ اسلامی به قدری نزد غربی‌ها مهم بود که مکاتب مهم استشراق دینی و تبشیری تا سده‌های اخیر بیشترین اهمیت را نزد آنان داشته و شرق‌شناسانی چون گلدزیهر<sup>۱</sup>، نولدکه<sup>۲</sup>، وات، لامنس<sup>۳</sup> و ماسینیون<sup>۴</sup> در زیر پوشش شناسایی مشرق هدفی جز تبلیغ مسیحیت و مبارزه و تضعیف فرهنگ اسلامی نداشته‌اند (زمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در این میان، مقابله با فرهنگ شیعی که مذهبی انقلابی علیه ظلم و ستم و استبداد و استعمار است، در رأس برنامه‌های ارباب کلیسا و دولت‌های غربی قرار گرفت و روند نگارش مقاله، کتاب و تأسیس مراکز پژوهشی در این زمینه رو به فزونی یافت. در این مقاله، سؤال اصلی این است که خاورشناسان چه دیدگاه‌هایی دربارهٔ پیدایش تشیع دارند؟ آیا آنان براساس منابع شیعی و به عبارتی نگاه درون دینی دربارهٔ پیدایش تشیع اظهار نظر کرده‌اند؟ یا دیدگاه‌های آنان ناشی از تأملات فکری و انگاره‌های ذهنی و برون‌دینی است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در ابتدا اشاره‌ای مختصر به مفهوم «شرق‌شناسی» می‌شود و در قسمت‌های بعدی دیدگاه‌های شرق‌شناسان در خصوص پیدایش تشیع

1. IgnazIsaak Yehuda Goldziher

2. Theodor Noldeke

3. Henri Lammens

4. Louis Massignon

## ۲۹ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

### - ضرورت و اهداف بحث:

روشنگری واقع‌بینانه و تنقیح و تنزیه آثار موجود در حوزهٔ تاریخ تشیع و مبارزه با تحریف‌ها و تحلیل‌های جهت‌دار، ضرورت این گونه مباحث را تعیین می‌نماید. نکتهٔ دیگری که ضرورت پردازش و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان در مورد تشیع را ایجاب می‌کند، وجود پیرایه‌ها، شبهات و مباحث التقاطی بحث‌برانگیزی است که دامنهٔ آن از محافل علمی به سطوح عادی جامعه می‌رسد و موجب تحیر و سردرگمی پاره‌ای از باورمندان را فراهم می‌سازد و وظیفهٔ محققان و انجمن‌های علمی و پژوهشی پالایش اطلاعات از این پیرایه‌ها و تبیین واقعیت‌ها و دادن اطلاعات صحیح و ناب است.

## ب) مفهوم‌شناسی

### - مستشرق

«مستشرق» در لغت به معنای روشن، تابان و شرق‌شناس (=خاورشناس) است و به کسی که در مورد مسائل مشرق‌زمین تحقیق کند، مستشرق گویند (سعد، ۱۴۱۵، ج ۱: ۹۰). در اصطلاح تاریخی، مستشرق کسی است که به تحقیق، تدریس و یا نگارش در مورد مسائل علوم انسانی، جامعه‌شناسی، تاریخ و علم فقه اللغه مردم مشرق زمین می‌پردازد (السعدی، ۱۴۲۶: ۲۳۸).

## ج) پیشینهٔ شیعه‌پژوهی از سوی خاورشناسان

آشنایی با تشیع و مطالعات مربوط به آنان نسبت به شناخت دین اسلام در جهان غرب بسیار دیر آغاز شد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که توجه غربی‌ها به شرق به خصوص نسبت به دین اسلام مربوط به قرن دوم هجری است. در عصر اموی یوحنا دمشقی موضوعاتی را دربارهٔ پیامبر اسلام (ص) مطرح کرد که زیربنای اندیشهٔ شرق‌شناسی گردید (دسوقی، ۱۳۷۶: ۸۴).

علیرغم دیرپایی توجه به دین اسلام، مذهب تشیع تنها پس از آنکه از سوی صفویان مذهب رسمی حکومت شناخته شد، نه به صورت علمی بلکه به صورت اطلاعات پراکنده و عمومی مورد توجه برخی از سفرنامه‌نویسان غربی قرار گرفت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۴۲؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۲).

شاید بتوان به صورت علمی اولین اشارات و مباحث پراکنده دربارهٔ تشیع را در آثار گلدزیه‌ر، (۱۸۵۰-۱۹۲۱) یافت. پس از او در سال ۱۹۳۳ میلادی دونالدستون اثری مختصر دربارهٔ تشیع نوشت (دوستی ثانی، ۱۳۸۸:

### ۳۰. بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

۳۸). با این وجود تشیع، همچنان مورد غفلت خاورشناسان بود تا اینکه در سال ۱۹۶۸ میلادی، همایشی در «استراسبورگ» دربارهٔ تشیع برگزار شد. در آن همایش، تشیع به عنوان یک حوزهٔ مطالعاتی متمایز مورد توجه قرار گرفت (نیومن، ۱۳۸۶، ۶۶). به نظر می‌رسد علت کم‌توجهی مستشرقین به مطالعات شیعی از سویی انحصار نسبی تماس غرب با مرزهای سنتی‌نشین جهان اسلام و سوی دیگر سنتی بودن اکثر مسلمانان و سیاسی بودن نگاه مستشرقان به جهان اسلام بوده است.

در سال ۱۹۷۳ میلادی تغییر اساسی در رویکرد مطالعاتی خاورشناسان نسبت به شرق پدید آمد. در این سال، خاورشناسی سنتی کنار نهاده شد و در مجمع سال ۱۹۷۵ میلادی، مطالعات شرقی و مطالعات اسلامی به جای شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی مورد توجه قرار گرفت. از آن تاریخ به بعد حضور شیعیان در کانون‌های علمی غرب از یک طرف و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از طرف دیگر منجر به توجه بیش از حد خاورشناسان به تشیع گردید (فرانکه و فولر، ۱۳۸۴، ۲۳؛ نیومن، ۱۳۸۶: ۱۵). به طوری که پس از سال ۱۳۵۷ چندین کتاب از جمله «تشیع» نوشتهٔ هالم<sup>۱</sup>، ژئوپولیتیک تشیع نوشتهٔ توال و کتاب «شیعیان عرب مسلمانان فراموش» شده «نوشته فولر<sup>۲</sup> و فرانکه وارد بازار کتاب کشورهای اروپایی شد، و همین شرق‌شناسان به طور آشکار از تأثیر انقلاب اسلامی ایران و حوادث لبنان بر گسترش مطالعات شیعی، سخن به میان آوردند (فولر، ۱۳۸۴: ۲۳؛ نیومن، ۱۳۸۶: ۱۵؛ توال، ۱۳۸۲: ۲۴).

موارد ذکر شده تنها آثار شرق‌شناسان در حوزهٔ تشیع نبوده و کرسی‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی مرتبط با غرب دائماً در حال نشر فعالیت‌های پژوهشی خود در این زمینه هستند و بررسی آثار آنان به وضوح نشان می‌دهد که دیدگاه‌هایشان غالباً برخلاف حقیقت تشیع بوده است. با توجه به اهمیت این موضوع در این مقاله تلاش شده دیدگاه خاورشناسان درخصوص پیدایش تشیع مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

### د) دیدگاه خاورشناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

به طور کلی دو دیدگاه دربارهٔ پیدایش تشیع وجود دارد:

۱: دیدگاهی که معتقد است تشیع در زمان پیامبر اسلام (ص) به وجود آمده است (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۴؛ صدر، ۱۳۵۴: ۲۳) طبق این دیدگاه، گروهی در زمان پیامبر (ص) و پس از رحلت ایشان به نام شیعی علی (ع) شناخته شدند و به جز سلمان فارسی، تمام افراد از تبار عرب بودند (سجانی، ۱۳۸۹: ۷۶۷). معتقدان به این دیدگاه برای اثبات

1. Heinz Halm  
2. Graham E. Fuller

## ۳۱ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

نظر خود به آیاتی از قرآن و نیز احادیث معتبر، استناد می‌کنند. این دیدگاه کمتر مورد توجه مستشرقین قرار گرفته است.

۲: دیدگاه دوم که مورد توجه غالب مستشرقین است، بر این قاعده استوار است که تشیع به مرور زمان و در نتیجه حوادث و تحولات اجتماعی ویژه‌ای تکوین یافته و ناشی از یک تفکر و برداشت خاص از اسلام است. طبق این دیدگاه تشیع، نه یک اعتقاد حقیقی که مولود طبیعی اسلام و ریشه در عصر نبوی(ص) دارد(صدر، ۱۳۶۸: ۲۳)؛ بلکه جریانی تاریخی است که بنا به مقتضیات زمان طی حوادث سیاسی، اجتماعی پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) به وجود آمده است. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۸). مستشرقین معتقد به این دیدگاه درباره زمان پیدایش تشیع پس از پیامبر اسلام(ص)، اتفاق نظر ندارند و هر یک قائل به دوره‌ای خاص از تاریخ اسلام هستند. برای سهولت بررسی، دیدگاه‌های مستشرقین را تقسیم‌بندی کرده و پس از بررسی، به نقد آنها خواهیم پرداخت:

### ۲-۱: مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) و پیدایش شیعه در سقیفه بنی ساعده

ماجرای سقیفه و تأکید منابع سنی بر آن، منجر به گسترش این تصور باطل از سوی بعضی شرق‌شناسان شده که پنداشته‌اند؛ شکل‌گیری تشیع در روز سقیفه بوده است. لالانی اشاره کرده که به «الحاظ تاریخی ریشه اسلام شیعی به زمان بلافصل بعد از رحلت حضرت محمد(ص) می‌رسد» (لالانی، ۱۳۸۲: ۹). توال تأکید می‌کند؛ پدیده تشیع زمانی قابل درک است که پس از رحلت پیامبر(ص) گروهی از صحابه که شیعه نامیده شدند، اعتراض سیاسی خود را نسبت به جانشینی پیامبر(ص) اعلام کردند. (توال، ۱۳۸۰: ۱۱). لوئیس همانند لالانی و توال می‌اندیشد و فکر می‌کند ماجرای تشیع و شکل‌گیری آن زمانی تحقق پیدا کرد که گروهی از صحابه بر سر جانشینی پیامبر(ص) با گروهی دیگر که سنی نامیده شدند، مشاجره کردند (لوئیس، ۱۳۶۸: ۳۳). رونالدستون نیز معتقد است موضوع خلافت و جانشینی پیامبر(ص) جدایی بزرگی در اسلام به وجود آورد و بحث‌ها و سؤالاتی نظیر؛ آیا جانشین پیامبر(ص) دامادش خواهد بود یا عامهٔ مردم می‌توانند جانشین او شوند، امت اسلامی را به دو دسته سنی و شیعه تقسیم کرد(رونالدستون، ۱۴۱۰: ۱۹). هالیستر نیز بدون توجه به سابقه تشیع در عصر پیامبر(ص) و با تأکید بر مناسبات امام علی(ع) با پیامبر(ص)، معتقد است: انشقاق و پیدایش دو مذهب شیعه و سنی پس از رحلت پیامبر(ص) و در بحث مسئله جانشینی به وجود آمد(هالیستر، ۱۳۷۳: ۸).

آنچه باعث شده این دسته از خاورشناسان سقیفه را عامل پیدایش دو مذهب شیعه و سنی بدانند ناشی از برداشت آنان از متونی است که عمدتاً توسط اهل سنت نگاشته شده و آنان بدون توجه به منابع شیعی به چنین نتایجی رسیده‌اند. توجه به این نکته از آن جهت اهمیت دارد که حتی یکی از خاورشناسان برجسته یعنی هانری کربن نیز پس از مصاحبه با علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده است(طباطبایی، ۱۳۶۰: ۶).

## ۲-۲: قتل عثمان، بیعت با امام علی (ع) و پیدایش تشیع

بعضی از شرق‌شناسان این مقطع تاریخی - قتل عثمان و خلافت امام علی (ع) - را به عنوان منشأ پیدایش تشیع تلقی می‌کنند. مثلاً ولهاوزن معتقد است قتل عثمان منجر به پیدایش دو حزب امام علی (ع) و حزب معاویه شد و حزب امام علی (ع) به شیعهٔ آن امام معروف هستند (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۱۳۹). هالم نیز تأکید می‌کند که شیعهٔ علی (ع) نامی بود که در کشمکش‌های ایجاد شده بر سر جانشینی عثمان، به افرادی داده شد که از پسرعمو و داماد پیامبر (ص) طرفداری می‌کردند (هالم، ۱۳۸۵: ۱۵). هاجسن، نیکلسون، ایزوتسو نیز اعتقاد به شکل‌گیری تشیع بعد از قتل عثمان و آغاز خلافت امام علی (ع) دارند. هاجسن می‌نویسد: «اصل مذهب شیعه از آنجا بود که عده‌ای از مسلمانان به پیروی از یکی از پیشوایان صدر اسلام برخاستند. آنان پشتیبان خلافت علی (ع)، پس از کشته شدن سومین جانشین رسول خدا (ص) بودند» (هاجسن، ۱۳۸۳: ۱۰؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۹). نیکلسون نیز پنداشته است که «امت اسلام تا مرگ عثمان کم و بیش متحد باقی مانده بود، ولی بعد از آن به دو حزب مشخص، یکی «شیعه علی (ع)» و دیگری «شیعه معاویه» تقسیم گردید» (هالیستر، ۱۳۷۳: ۶).

قائلین به این نظریه همچون نظریات قبلی به مبانی اعتقادی شیعه، جایگاه امام علی (ع) در سیره نبوی (ص) و قرآن کریم توجهی نکرده‌اند و شیعه را یک جریان و فرقهٔ سیاسی و انحرافی تصور کرده که آبخور پیدایش این تفکر بعد از قتل عثمان برای کسب قدرت بوده است. در واقع این دسته از خاورشناسان بدون توجه به منصب الهی امامت و حقیقت تشیع، آن را پدیده‌ای تاریخی و گاه حتی ریشه در رابطه خویشاوندسالاری مثل رابطهٔ دامادی و غیره دیده‌اند و به همین جهت در خصوص پیدایش تشیع دچار تحلیل‌های خطا شده‌اند.

## ۲-۳: ظهور تشیع پس از جنگ جمل تا شهادت امام علی (ع)

این نظریه در واقع عکس‌العمل عقیدتی و مذهبی گروهی از یاران امام علی (ع) در برابر خوارج بود که به خصوص پس از ماجرای حکمیت، عده‌ای اعتقاد پیدا کردند که خلافت امری عمومی است و هرکسی می‌تواند به این منصب دسترسی پیدا کند. براساس این دیدگاه، شیعیان آن حضرت (ع) در مقابل تکفیر مخالفان به تنزیه امام (ع) پرداختند و امامت او را یک واجب الهی اعلام کردند. چنین تصویری نسبت به امامت علی (ع) باعث شده، بعضی از شرق‌شناسان پیدایش تشیع را مربوط به این دورهٔ تاریخی بدانند. مثلاً وات معتقد است: هنگامی که علی (ع) گروهی از مخالفان خود را در جنگ جمل شکست داد و آمادهٔ جنگ با معاویه شد، گروهی از مخالفان معتقد بودند که علی (ع) از اخلاف معنوی قاتلان عثمان است و لذا دچار اشتباه شده است. یاران امام علی (ع) به این عمل مخالفان واکنش نشان دادند و آن حضرت را از هرگونه خطا و گناهی مبرا دانستند و سوگند یاد کردند که با دوستان علی (ع) دوست و با دشمنان وی

## ۳۳ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

دشمن باشند (وات، ۱۳۸۰: ۲۱). به زعم وات این دسته از طرفداران همچنان شیعیان واقعی امام علی (ع) بوده‌اند که در این مقطع تاریخی اعلام وجود کرده‌اند.

ر. ناث نیز تقریباً دیدگاهی مشابه «وات» دارد و معتقد است جنگ جمل نشان‌دهندهٔ آغاز تشیع در اسلام بوده است. این مستشرق تأکید می‌کند شهادت امام علی (ع) در کوفه زمینهٔ تحریک احساسات یاران آن حضرت (ع) را فراهم کرد و منجر به پیدایش گروهی خاص به نام شیعیان شد، به طوری که این شیعیان علی (ع) را «ولی» نامیدند. (ناث، ۱۳۷۰: ۲۵).

به نظر می‌رسد مستشرقینی که این دیدگاه‌ها را مطرح کرده‌اند از دو جهت در نتایج خود دچار سوءبرداشت شده‌اند: از یک طرف چون غالب منابع مورد استفادهٔ آنان نشأت گرفته از منابع سنی بوده است دچار اشتباه شده‌اند و از طرف دیگر، آنان بین پیدایش تشیع و تکامل آنان تفاوت قائل نشده و به نتایج نادرست رسیده‌اند.

## ۲-۴: ایرانیان و پیدایش تشیع

در میان مجموع قضاوت‌های شرق‌شناسان در مورد پیدایی و تکوین تشیع مسئلهٔ طرح «اسلام ایرانی» و ساختار سیاسی آنان بیشتر جلب توجه می‌کند. نقش اساطیر باستانی و آداب و عقاید زرتشتی و تأثیر آن در متون منسوب به تشیع امامیه به همراه تلاش روشنفکران ناسیونالیست ایرانی برای اعادهٔ هویت ملی ایرانیان در مقابل شکست از اعراب مسلمان، از جمله مواردی است که برخی از شرق‌شناسان در دیدگاه‌های خود راجع به ظهور تشیع بر آن تأکید می‌ورزند (جعفریان، ۱۳۶۵: ۴). به طور کلی میتوان آراء شرق‌شناسان را در خصوص «پیدایش تشیع و نقش ایرانی‌ها در ظهور آن» به دو گرایش تقسیم کرد:

**یک- گرایشی** که شکل افراطی دارد و به صورت کلی تشیع را ساخته و پرداختهٔ ایرانی‌ها می‌داند و سعی دارد تکوین تشیع و بنیان آن را به فرهنگ ایرانی منتسب کند (ساتن، بی‌تا: ۲۵). در این زمینه افرادی مثل - استوارد اعتقاد دارد که تشیع همان آیین ساسانی است که به شکل اسلامی و به نام مذهب شیعه نمایان شده است (استوارد، ۱۳۲۰، ج ۱: ۲۳۱). «دوزی» نیز بدون آنکه منشأ عربی برای تشیع قائل باشد، اندیشهٔ ایرانی بودن تشیع را مطرح کرده است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۷۶۹). آرنولد پس از بیان آثار مهم فتح ایران برای اعراب می‌نویسد: «افزون بر مواردی که باعث انتشار سریع اسلام در سرزمین فارس (ایران) شد عامل دیگری هست و آن شعور باطنی و سیاسی ایرانیان مغلوب است. این شعوری که آنها را زیر پرچم این دین جدید آورد از طریق ازدواج حسین (ع) با شهربانو یکی از دختران یزدگرد، آخرین شاه ساسانی است. ایرانیان فرزندان حسین را وارثان پادشاهان گذشتهٔ خود می‌دانند، این شعور ملی از یک سو علاقهٔ ایرانیان به علی و از سوی دیگر علت ظهور مذهب تشیع در سرزمین آنها را برای ما تفسیر و تبیین می‌کند» (آرنولد، ۱۹۴۷: ۲۳۹-۲۳۸).

#### ۳۴ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

**۵۰-** در مقابل دیدگاه اول که منشأ تشیع را ایران می‌داند، دیدگاه دومی وجود دارد که قائل به پیدایش تشیع در سرزمین‌های عربی است، ولی با این وجود صاحبان این دیدگاه معتقد هستند عناصر تشیع به دلیل شباهت‌هایی که با تفکر ایرانیان در عصر باستان داشته، شکل ایرانی به خود گرفته است.

این دسته از متفکران برای تثبیت دیدگاه‌های خود به مؤلفه‌هایی چون «پادشاهی موروثی و امامت موروثی»، «فره ایزدی شاهان ساسانی و احترام شیعیان برای امامان خود»، «سوگواری ایرانیان باستان برای سیاوش و عزاداری شیعیان برای امام حسین (ع)»، «ازدواج امام حسین (ع) با دختر یزدگرد»، و . . . اشاره کرده‌اند. مثلاً «فولر» و «فرانکه» تأکید کرده‌اند که «نوآوری‌های ایرانی، آداب تشیع را در همه جا تحت تأثیر قرار داده است و شیعیان عرب به خوبی بر ایرانی بودن تشیع در ایران واقفند»، این دو همچنین اشاره می‌کنند که «شیعیان عرب به تجربه دریافته‌اند که گونهٔ ایرانی تشیع نشان‌دهندهٔ فرهنگی است متفاوت با تشیع آنان. در نگاه آنان آیین‌های تشیع ایرانی شرک‌آمیزتر و نمایشی‌تر است . . . [و] برای بازگشت به ریشه‌های خالص تشیع باید آن را از اضافات ایرانی‌اش پیراست» (فرانکه و فولر، ۱۳۸۴: ۱۶۱ و ۱۶۰ و ۱۵۸).

ریپکا نیز اگرچه اعتقاد دارد تشیع منشأ ایرانی ندارد؛ ولی با این وجود می‌نویسد: ایرانیان خود را به سهولت با اسلام تطبیق دادند، لیکن این آیین را به صورت دلخواه خود درآوردند. به زعم وی تشیع بیان‌کنندهٔ روحیهٔ ایرانی‌هاست (ریپکا، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۲۱). در راستای همین دیدگاه، دیدگاه کریستن‌سن و «بوهو» نیز قابل توجه است. بوهو معتقد است در نتیجهٔ ازدواج امام حسین (ع) با دختر یزدگرد، میراث نبوی با میراث پادشاهی آمیخته گشت. این شرق‌شناس نگاهی نیز به عزاداری شیعیان ایرانی برای امام حسین (ع) کرده و می‌گوید: «سابقاً نیز به یاد سرانجام غم‌انگیز سیاوش، مراسمی با همین تشریفات در مواقع معینی برپا می‌گردید. خلاصه این تشریفات که اصل و مبدأ آن ایرانی است در مذهب شیعه رسمیت یافت» (بوهو، ۱۳۴۶، ۱۵۰). کریستن‌سن نیز اگرچه در نقل روایت ازدواج شهربانو با امام حسین (ع) دچار تردید می‌شود، ولی باز اشاره می‌کند چون شهربانو به عقد امام حسین (ع) درآمد، شیعیان فرزندان امام حسین را وارث «خورنه» یا فره ایزدی شاهنشاهان ایران باستان به حساب آوردند (کریستن‌سن، ۱۳۷۰: ۶۵۹).

مورگان اگرچه اشاره‌ای به ازدواج امام حسین (ع) و شهربانو نمی‌کند، ولی به شکلی دیگر معتقد است مسئلهٔ جانشینی و مشروعیت امامت با موروثی بودن سلطنت ساسانی سازگاری دارد (مورگان، ۱۳۷۳: ۱۵). براساس همین منطق، خاورشناسان دیگری نیز به تأثیرپذیری تشیع از سنت‌های ایرانی اشاره کرده‌اند. مثلاً بروکلمان سعی دارد با اشاره به محبوبیت فعلی قبر «امام حسین (ع)» نزد ایرانیان رابطه‌ای بین تشیع و ایرانی‌گری پیدا کند (جعفریان، ۱۳۶۵: ۱۸). و در همین راستا شپولر نیز می‌نویسد: «ایران سراسر کشوری اسلامی شد و در عین حال باز هستهٔ اصلی خود را از دست نداد، بلکه بر آن شد تا اسلام را به صورت یک مذهب مخصوص و مناسب با موجودیت خود درآورد. در بین شیعیان و خارجیان این مملکت و نیز در عرفان و تصوف، روح ایرانی وجود خدا را مستقلاً با موفقیت ظاهر نمود، اگرچه زادگاه‌های این جنبش‌های مذهبی یک زادگاه



## ۳۵ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

ایرانی نبوده است (اشپولر، ۱۳۷۹: ۳۲۴-۳۲۲).

همگام با برتولد اشپولر، ریچارد فرای است که به نظر می‌رسد بیش از هر خاورشناسی بر تأثیرپذیری تشیع از اندیشه‌های ایران باستانی تأکید کرده است. او معتقد است ایرانی‌ها برای نشان دادن «بیزاریشان» از شیوهٔ ملکه‌داری دولت اموی از شیعه که دارای سازمان یافته‌ترین مرام سیاسی بودند و نیز احساساتشان با شور و احساس ایرانی‌ها سازگاری داشت، جانبداری کردند. همو اشاره می‌کند: «به طریق اولی پیوند و ازدواج خویشی حسین بن علی با خاندان یزدگرد یا هرمان از دلایل عمدهٔ احترام زیاد ایرانیان به ذریهٔ علی بوده است» وی تأکید می‌کند: «در عمق حرمت شیعه به امام - جانشین پیامبر(ص) و اصل این فکر که پیشوایی و رهبری عامه باید از مشیت و اراده الهی ناشی باشد، در اعتقاد و باور ایرانیان نهفته است که پادشاهان خود را صاحب فره ایزدی می‌شمردند» (فرای، ۱۳۷۲، ج ۴: ۳۶).

فرای در کتاب دیگری در انتساب کردن آداب شیعیان به سنت‌های فرهنگی ایران باستان پا را فراتر نهاده و تأکید کرده است که بسیاری از امامزاده‌های شیعیان، همان مکان‌های ایزدان یا فرشتگان زرتشتی است که ایرانیان برای نگهداری آن، تصمیم گرفتند آن مکان‌ها را به اسلام منتقل کنند و به فرزندان ائمه نسبت دهند (فرای، ۱۳۶۳: ۱۵۶).

به نظر می‌رسد ریشهٔ بعضی از اعتقادات خاورشناسان درخصوص پیوند زناشویی امام حسین(ع) و شهربانو برآمده از کتاب دوگوینو باشد که شهید مطهری نیز به آن اشاره کرده است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۲). گوینو با استناد به روایت ساختگی ازدواج امام حسین(ع) با شاهزاده‌ای ساسانی و با اشاره به ستم اعراب به علی(ع) و گرایش ایرانیان به آن حضرت در دفع ظلم اعراب، هم‌سوئی خاندان علی(ع) با ایرانیان را یک مشخصهٔ ملّی و ریشه‌دار معرفی می‌کند و می‌نویسد: در ایران عشق به امامان نوعی احساس ملّی است. او همچنین در فصل «وضع مردم» جانشین شدن حضرت علی(ع) را به جای قدرت شاهنشاهی ساسانیان هم از نظر مذهبی یعنی: گسترش دین اسلام در ایران و هم به عنوان امام قلمداد می‌کند و حضرت را در مقام شاهی ایران می‌بیند و دو مفهوم متفاوت سلطنت و امامت را با یکدیگر خلط می‌کند (گوینو، ۱۳۸۳: ۲۷۲ و ۲۷۱ و ۲۱۲).

ادوارد براون نیز نظریه گوینو را تأیید کرده و می‌گوید: «ایرانیان سلطنت را حق آسمانی یا موهبت الهی می‌دانستند که در دودمان ساسانی به ودیعه قرار گرفته بود و این عقیده تأثیر عظیمی در سراسر تاریخ ادوار بعدی ایران داشته است. علی‌الخصوص علاقهٔ شدید ایرانیان به مذهب تشیع تحت تأثیر همین عقیده است که محکم به مذهب تشیع چسبیده‌اند» (براون، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

## ه) نقد دو گرایش خاورشناسان

۱- **گرایش اول:** چنان که اشاره شد، برخی از خاورشناسان اعتقاد دارند تشیع واکنش تند ایرانی در برابر سیطرهٔ اسلام و عرب و یک مکتب ایرانی است و پیدایش آن ارتباطی با سرزمین‌های عربی ندارد. در نقد این دیدگاه باید گفت که اولاً غالب خاورشناسان معتقدند که تشیع منشأ عربی دارد و تنها معدودی از شرق‌شناسان از جمله افرادی مثل دوزی، آرنولد، استوارد معتقدند تشیع ساختهٔ ایرانی‌هاست. مثلاً در این زمینه، اشپولر تأکید می‌کند: «تحقیقات تاریخی این امر را نشان داده است که موطن و منشأ مذهب تشیع سرزمین‌های عربی بوده است.» (اشپولر، ۱۳۷۹: ۲۶۳). پیرو همین دیدگاه، آدام مِتر نیز به دیدگاه خاورشناسانی که معتقدند منشأ تشیع، ایرانی‌ها بوده‌اند با دیدهٔ تردید نگرسته و اشاره کرده است «شیعی گری برخلاف پندار بعضی، عکس‌العمل روح ایرانی در برابر اسلام نیست» (متر، ۱۳۸۸: ۷۵).

گلکزیه‌ر نیز اشاره کرده که «یکی از خطاها این است که تشیع را مولود افکار ایرانی بدانیم. این نوع اندیشه براساس فهم نادرست از تاریخ رویدادهاست. درحالی که حرکتهای علوی همه و همه در سرزمین‌های عربی بوده است» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۷۷۰).

ثانیاً اگر قرار باشد ادعا کنیم که ایرانی‌ها در تأسیس کدام مذهب نقش داشته‌اند، باید اعتراف کنیم که مذهب تسنن نه تشیع، ساختهٔ ایرانی‌هاست، زیرا چند تن از بزرگان این مذهب از جمله ابوحنیفه، ایرانی است (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۰۷) و بعضی از شرق‌شناسانی مثل «نولدکه» که به این نکته پی برده‌اند، تصریح کرده‌اند که مذهب تسنن در بلاد ایران به طور غالب سایه افکننده بود و تا سال ۱۵۰۰ میلادی ادامه داشت و با ظهور دولت صفوی، تشیع مذهب رسمی گردید (جعفریان، ۱۳۶۵: ۲۵).

این نکته که «نولدکه» تأکید می‌کند یک جواب «منطقی - تاریخی» به کسانی است که معتقدند تشیع به خاطر هماهنگی با عقاید ایرانیان که ریشه در عصر باستان داشته، به ایران نفوذ کرده است. این سؤال را از شرق‌شناسانی که ادعا می‌کنند «تشیع ریشهٔ عربی دارد، ولی به دلیل مشابهت آن با افکار ایرانیان عصر باستان در ایران منتشر شده است» باید پرسید: چگونه می‌توان باور کرد بین دو عقیده (افکار ایران باستان و تشیع) شباهت وجود داشته باشد و ایرانیان تا قرن دهم غالباً سنی باشند و گروه‌های کمی به تشیع گرویده باشند؟

۲- خاورشناسانی که در گرایش دوم قرار می‌گرفتند، معتقد هستند به دلیل شباهت‌های فرهنگ ایران باستان با فرهنگ تشیع، ایرانیان به مذهب تشیع روی آورده‌اند. این دسته از خاورشناسان بر مشابهت‌امامت «شیعه و پادشاهی ساسانی» مشابهت، «عزاداری برای سیاوش و امام حسین (ع)» مشابهت «قبور ائمه و دخمه‌های ساسانی» و سرانجام ازدواج حسین (ع) با شهربانو و احترامی که ایرانی‌ها برای شهربانو (به زعم خاورشناسان) قائل هستند، تأکید می‌کنند.

مجموع نظریات برخی از شرق‌شناسان دربارهٔ تشیع که از آن گاهی با عنوان «اسلام ایرانی» یا «تشیع

### ۳۷ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

ایرانی» نام می‌برند، نشان می‌دهد که با توجه به نوع مطالعات ایرانی و تأثیرپذیری آنان از عقاید زرتشتی و ارزش قائل شدن به این مقولات توأم با شدت احساسات ناسیونالیستی، رهیافت دیگری را نمی‌توان از آنان انتظار داشت، ولی به هر حال ضرورت دارد این دیدگاه‌ها نقد شود. اما قبل از اینکه وارد مصادیق شویم، نقد کلی به مجموع آراء خاورشناسانی که معتقدند: مشابهت عقاید مردم ایران باستان و فرهنگ شیعه، باعث پذیرش این مذهب از سوی ایرانیان شده، وارد است. نمی‌توان به طور یقینی مشابهت دو عقیده در میان دو ملت را دلیل بر اخذ یکی از دیگری دانست. چنان که عقیدهٔ توحید در میان بسیاری از ملّت‌ها وجود دارد، اما نمی‌توان رابطهٔ «علت و معلولی» در همه جا ثابت کرد. عقیدهٔ پادشاهی موروثی در بسیاری از نقاط دنیا در شرق و غرب وجود داشته و دارد، اما به هیچ عنوان نمی‌توان یک نوع رابطهٔ متقابل فرهنگی را برای انتقال «امامت و پادشاهی موروثی» ثابت کرد. اثبات رابطهٔ فرهنگی متقابل و انتقال اندیشه‌ها تنها در گرو اثبات مشابهت نیست؛ بلکه می‌بایست با توجه به مدارک تاریخی و جغرافیایی همراه با سند و دلیل همراه باشد.

### یک. نقد مشابهت امامت شیعی و پادشاهی ساسانی

اگر قرار باشد استدلال کنیم چون شیعه به امامت خود وجه الهی می‌داد و ایرانیان نیز برای پادشاهان خود «فره ایزدی» قائل هستند، پس ایرانیان به این خاطر شیعه شده‌اند؛ این فرضیه زمانی درست است که بپذیریم ایرانیان به محض اینکه اسلام را پذیرفتند، مذهب شیعه را انتخاب کردند، این درحالی است که قرائن تاریخی و حتی برخی از شرق‌شناسان به این نکته اعتراف می‌کنند که غالب مردم ایران تا عصر صفوی مذهب تسنن داشته‌اند.

نکتهٔ دوم اینکه اگر ایرانیان به دلیل علاقه به سلطنت موروثی به امامت موروثی (به زعم خاورشناسان) روی آوردند، چرا آنان از همان سلطنت موروثی حمایت نکردند و اعراب مسلمان با حداقل تجهیزات نظامی امپراتوری ساسانی را به اضمحلال کشانید.

نکتهٔ آخر اینکه امامت از دیدگاه شیعه، وراثتی نیست. همچنان که معیار برتری امام معصوم بر دیگران فرزند علی (ع) بودن و یا پسرعموی پیامبر (ص) بودن نیست؛ بلکه معیار، برتری واقعی «علمی و تقوایی» آن هاست (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۹: ۸۰ و ۱۸۹ و ۱۹۸ و ۱۹۹). با اینکه این نظر شیعه از بدو امر آشکار بوده است، اما باز بسیاری از شرق‌شناسان اتهام وراثتی بودن امامت و مشابهت آن را با پادشاهی موروثی مطرح کرده‌اند.

## دو. نقد ازدواج امام حسین(ع) با دختر یزدگرد

خاورشناسان تأکید کرده‌اند، یکی از دلایل نفوذ تشیع در ایران، مسئلهٔ ازدواج امام حسین(ع) با دختر یزدگرد بوده که نتیجهٔ آن تولد چهارمین امام شیعه، امام سجاد(ع) بوده است. این امر باعث شد که رشتهٔ ائمه با پادشاهان ساسانی بخصوص آخرین آنها پیوند بخورد و ایرانیان به این مذهب گرایش پیدا کردند(گوبینو، ۱۳۸۳، ۲۷۲-۲۷۱؛ براون، ۱۳۸۴: ۱۱۴؛ سایکس، ۱۳۶۹، ج ۱: ۷۵۴؛ آرنولد، ۱۹۴۷: ۲۳۹-۲۳۸؛ کریستن سن، ۱۳۵۱: ۶۵۹).

شهید مطهری با بیان دلایلی ادعای مستشرقان را که معتقدند پذیرش تشیع از سوی ایرانیان به خاطر انتساب ائمه به پادشاهان ساسانی و احترام ایرانیان به ائمه برای حفظ فرهنگ ایرانی زیر پوشش تشیع بوده است را رد می‌کند و می‌نویسد: چگونه است که ایرانی به خود یزدگرد پناه نمی‌دهد، ولی بعداً اهل بیت پیغمبر(ص) را به خاطر پیوند با یزدگرد مکرم می‌شمارد؟! به فرض که مسلمانان ایرانی در قرون اولیهٔ اسلام مجبور به مخفی کردن احساسات خود در زیر پردهٔ تشیع بودند، چرا پس از دو قرن که استقلال سیاسی یافتند، از اسلام دست برداشته و به کیش قبلی خویش بازنگشتند؟! شهربانو مقام و موقعیتی بالاتر از مادران سایر ائمه اطهار ندارد و از زاویهٔ تاریخ، اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسین(ع) و ولادت امام سجاد(ع) از شاهزادهٔ ایرانی مشکوک است. نکتهٔ آخر این که این مطلب زمانی می‌تواند درست باشد که شیعه منحصر به ایرانی‌ها باشد و حال آنکه غیرایرانی‌های شیعه نیز بسیار هستند، برای تشیع آن‌ها چه دلیلی وجود دارد؟(مطهری، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۳۰).

## سه. نقد مشابهت عزاداری برای سیاوش و امام حسین(ع)

چنان که اشاره شد، صرف مشابهت نمی‌تواند تأثیرپذیری یکی از دیگری باشد. امروزه آیین‌های سوگواری در مرگ عزیزان از دست رفته در سراسر دنیا مرسوم است و کسی نمی‌تواند مدعی شود چون ایرانیان برای عزیزان از دست رفته خود عزاداری می‌کنند، این رسم را غیرایرانی‌ها از ایرانی‌ها فرا گرفته‌اند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد عزاداری بر امام حسین(ع) برای نخستین بار از سوی توأیین برگزار شد و نوحه‌سرایی با آهنگ سوزناک در بین زنان عرب سابقه داشت، و دلیلی ندارد این آداب صرفاً به ایرانیان اختصاص داده شود(مصطفی‌الشیبی، ۱۳۵۹: ۴۷؛ ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۳۵۹).

صرف‌نظر از موارد فوق، روایات کثیری از پیامبر(ص) پیرامون عزاداری برای حسین بن علی(ع) در منابع اهل سنت و شیعه آمده است که مسئله را کاملاً به شکل دینی عرضه می‌کند(جعفریان، ۱۳۶۵: ۷۰)، بنابراین دلیلی ندارد که ریشهٔ عزاداری برای امام حسین(ع) را به ایرانیان و به خصوص آل‌بویه نسبت دهند.

## (و) حقیقت تشیع

آنچه مطرح گردید، دیدگاه‌های مستشرقان درباره پیدایش تشیع با نگاهی برون‌دینی بود. این دیدگاه‌ها عمدتاً براساس مبانی فکری و انگاره‌های ذهنی نویسندگان آن است و خاورشناسان از درک مبانی معرفتی تشیع و ماهیت و حیاتی بودن آن ناتوانند، زیرا آنان غالباً تشیع را در قالب یک فرقه سیاسی (هالم، ۱۳۸۵: ۱۵) و حتی منحرف از مسیر اسلام در کنار سایر فرقه‌ها قرار می‌دهند (فلوتن، ۱۳۲۵: ۷۷)، و معتقدند حامیان آن هدفی جز رسیدن به قدرت سیاسی نداشته‌اند (لوئیس، ۱۳۶۸: ۳۳). آنان حقیقت تشیع را عمدتاً براساس منابع اهل سنت و گاه براساس نگاه برون‌دینی دنبال می‌کنند و به همین جهت از درک حقیقت آن ناتوان هستند. این درحالی است که اگر مستشرقین به منابع اصیل شیعه رجوع می‌کردند، به نتایج متفاوتی از آنچه به آن رسیده‌اند، دست می‌یافتند و اکنون ضرورت دارد برای دفاع از حقیقت تشیع و با رویکردی درون‌دینی به تحلیل این موضوع پردازیم.

تشیع مولود طبیعی اسلام است و نیرو و قدرتی است که رسالت اسلامی از همان روزگار ظهور بدان توسل جست (صدر، ۱۳۵۴: ۱۷). در واقع دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که پیامبر (ص) در کوه‌ها و دره‌های مکه، کلمه‌ی «لا اله الا الله» برآورد و وقتی آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعراء/ ۲۱۴) نازل شد، نبی اکرم (ص) بنی‌هاشم را گرد آورد و فرمودند: کدام‌یک از شما مرا یاری می‌دهد تا پس از من برادر، وارث، وزیر، وصی، خلیفه و جانشینم در میان شما باشد؟» (مظفر، ۱۳۶۸: ۴۱). هیچ‌یک از حاضران به درخواست آن حضرت جز علی (ع) پاسخ مثبت ندادند و پیامبر (ص) پس از اعلام آمادگی علی (ع) ایشان را به عنوان «برادر، وارث، وزیر، وصی و جانشین خود» انتخاب کردند و از حاضران خواستند به سخنان او گوش دهند (مظفر، ۱۳۶۸: ۴۲).

بنابراین دعوت به تشیع و پیروی از علی (ع) از سوی صاحب رسالت همگام و همزمان با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته است و در همان زمان پیامبر (ص) تعداد اندکی از مسلمانان نخستین با استنباط از گفتار و رفتار پیامبر (ص) بر جانشینی حضرت علی (ع) باور یافته بودند و مورخان، متکلمان و فرق‌شناسان از افرادی به نام «سلمان فارسی»، «ابوذر غفاری»، «مقداد بن اسود کندی» و «عمار بن یاسر» به نام شیعیان نخستین نام برده‌اند (ترکمنی آذر، ۱۳۹۰: ۲۸؛ کامل شبیبی، ۱۳۵۳: ۸).

به جز واقعه «انذار» که پیامبر (ص)، علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کرد (طبری، ۱۳۷۵: ج ۳: ۸۶۶)، داستان «غدیر» صراحت تام در مسئله امامت دارد و لزومی ندارد در اینجا از حیث سند و حتی دلالت آن بر امام علی (ع)، بحثی شود. اما طبیعی است که به خاطر آن کسان زیادی از همان ابتداء اعتقاد به امامت علی (ع) داشتند و به شیعه او معروف بودند.

نقل تمام آیات و روایاتی که دلالت بر حقانیت شیعه می‌کند، در این مختصر نمی‌گنجد و دیگران قبلاً

#### ۴۰ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

در شأن آیات ولایت، اطاعت... و احادیث غدیر، ثقلین، سفینه و... سخن گفته‌اند. آنچه در اینجا مورد نظر است، آشکار ساختن این حقیقت است که منشأ پیدایش تشیع آن‌گونه که برخی از مستشرقین و حتی بعضی متفکران عرب می‌پندارند پس از عصر پیامبر(ص) نیست؛ بلکه آیات و روایات و شواهد تاریخی مهمی در دست است که نشان می‌دهد ظهور تشیع در زمان حیات نبی مکرم اسلام(ص) بوده است.

#### ز) نتیجه:

علیرغم دیرینه بودن مطالعات شرق‌شناسان در حوزه تاریخ اسلام، توجه آنان به مذهب تشیع به صورت علمی خیلی دیر آغاز شد. به نظر می‌رسد علت این کم‌توجهی، انحصار نسبی تماس جهان غرب با مرزهای سنتی‌نشین جهان اسلام، سنتی بودن اکثر مسلمانان و سیاسی بودن نگاه مستشرقان به جهان اسلام بوده است. در قرن اخیر حضور شیعیان در کانون‌های علمی غرب مورد توجه مستشرقین واقع شد. اما آنچه منجر به توجه گستردهٔ خاورشناسان در حوزه مطالعات شیعی شد، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود که رهبری انقلاب توانست خارج از چهارچوب نظریات غربی، انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. این رویداد تولید مقالات و کتب فراوان در خصوص مذهب تشیع را به همراه داشت که همچنان به دلیل رویکرد انقلابی رهبران انقلاب به جنبش‌های اسلامی در کشورهای اسلامی ادامه دارد.

در کتاب‌ها و سایر آثار منتشر شده خاورشناسان نسبت به پیدایش تشیع دو دیدگاه کلی وجود دارد:

نخست دیدگاهی که شکل افراطی دارد و تشیع را ساختهٔ ایرانیان و نشان‌دهندهٔ واکنش روح ایرانی در برابر تسلط عرب و اسلام می‌داند و معتقد است ایرانی‌ها برای تداوم سنت‌های باستانی خود در عصر اسلامی، مذهب تشیع را ساختند تا استمرار این سنت‌ها، در زیر لوای تشیع را ممکن کنند. افرادی مثل *دوزی، استوارد، آرنولد*، از طرفداران این دیدگاه هستند.

در مقابل دیدگاه اول، دیدگاه معتدل‌تری وجود دارد که به منشأ ایرانی بودن تشیع قائل نیست و معتقد است تشیع در یکی از این سه مرحله یعنی در «سقیفه» یا «پس از قتل عثمان» و یا «پس از جنگ جمل» شکل گرفته است. علیرغم اینکه معتقدان این دیدگاه تأکید می‌کنند تشیع در سرزمین‌های عربی شکل گرفته است، با این وجود، این دسته از خاورشناسان معتقدند به دلیل مشابهت افکار باستانی ایرانیان با مذهب تشیع، آنان این مذهب را انتخاب کرده‌اند. خاورشناسان در این زمینه بخصوص به روی مسئلهٔ ازدواج امام حسین(ع) و شهربانو که به قول شهید مطهری مورد تردید است، تأکید می‌کنند. افرادی مثل *فرای، ریکار، مورگان، اشپولر، گوینو* و... از طرفداران این دیدگاه هستند.

#### ۴۱ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

در این مقاله با توجه به رویکرد درون دینی و منابع تاریخی نشان دادیم که پیدایش تشیع در عصر پیامبر(ص) بوده است و مستشرقینی که معتقدند ریشهٔ تشیع به تحولات پس از رحلت پیامبر(ص) باز می‌گردد، عمدتاً از حقیقت تشیع آگاهی ندارند و بعضی از آنان بر اساس منابع غیر شیعی به چنین نتایجی رسیده‌اند.



## منابع

- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: علمی.
- ابن‌اعثم کوفی (۱۳۷۲). الفتوح، ترجمه محمد هروی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- استوارد، لوتروپ (۱۳۲۰). امروز مسلمین یا عالم نو اسلام، ترجمه سیداحمد مهندس، تهران: شرکت طبع کتاب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- ایزوتسو، هیکو (۱۳۷۸). مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، تهران: سروش.
- آرنولد، سر توماس (۱۹۴۷م). الدعوه الی الاسلام، ترجمه حسن ابراهیم حسن، قاهره: دون النشر.
- براون، ادوارد (۱۳۸۴). یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی، تهران: اختران.
- بوهر، ژان (۱۳۴۶). ایرانیان مسلمان از قرن اول تا قرن دهم هجری (تمدن ایران)، ترجمه عیسی بهنام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۰). تاریخ سیاسی شیعیان اثناعشری در ایران، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۲). ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: ویستار.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۵). تشیع و ایران، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- دسوقی، محمد (۱۳۷۶). سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسان، ترجمه محمدرضا افتخارزاده، تهران: هزاران.
- دوستی‌ثانی، مرتضی (۱۳۸۸). شرق‌شناسان و فرقه‌های تصوف (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان)، قم: خاکریز.
- رونالدستون، م (۱۴۱۰ق). عقیده الشیعه، ترجمه عربی (ع. م)، بیروت: العالمی.
- ریپکا، یان (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، تهران: علمی و فرهنگی.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۸). آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسان غربی، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- ساتن، الویل (بی‌تا). روزنامه ایران نو، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: نشر مطبوعات.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). ایرانی بودن تشیع، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۹۷.
- سعد، المرصی (۱۴۱۵ق). المستشرقون و السنه، بیروت: مؤسسه الریان.
- السعدی، اسحاق بن عبدالله (۱۴۲۶ق). تمیزالامه الاسلامیه مع دراسه نقدیه لموقف المستشرقین منه، عربستان: جامعه الامام محمدبن سعود.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۱). شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



#### ۴۳ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

- شاردن (۱۳۷۲). سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- صدر، محمدباقر (۱۳۵۴). تشیع و اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: شفق.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). ظهور شیعه، بی‌جا: آلت.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۸). شاخصه‌های تحلیلی و محتوایی آثار شرق‌شناسان، قم: خاکریز.
- فرای، ر. ن (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- فرای، ر. ن (۱۳۷۲). تاریخ ایران، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- فلوتن، فان (۱۳۲۵). تاریخ تشیع و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه سیدهاشم حائری، تهران: اقبال.
- فولر، گراهام‌ای، فرانکه، رندرحیم (۱۳۸۴). شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۰). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کمپفر (۱۳۶۰). سفرنامه، ترجمه کیکاوس جهانناداری، تهران: خوارزمی.
- گوینو، کنت (۱۳۸۳). سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مه‌دوی، تهران: قطره.
- لوئیس، برنارد (۱۳۶۸). تشیع و مقاومت و انقلاب، تهران: فاروس.
- متر، آدام (۱۳۸۸). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- محمدجعفری، حسین (۱۳۷۴). تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۹). مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.
- مصطفی‌الشیبی، کامل (۱۳۵۹). تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: صدرا.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸). تاریخ شیعه، ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ناث. ر (۱۳۷۰). اسلام در ایران، ترجمه محمود افتخارزاده، تهران: میراث تاریخی اسلام.
- نیومن، آندرو جی (۱۳۸۶). دوره شکل‌گیری دوازده‌ماهه، ترجمه مهدی ابوطالبی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- وات، منتگمری (۱۳۸۰). فلسفه و کلام اسلامی، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ولهاوزن، یولیوس (۱۳۷۵). تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه محمود افتخارزاده، قم: معارف.
- هاجسن، گودین سیمز (۱۳۸۳). فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- هالم، هاینز (۱۳۸۵). تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم: ادیان.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۴۴ بررسی و نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسان دربارهٔ پیدایش تشیع

- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

